

## درک معنایی زنان منطقه عسلویه از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (مطالعه مردم‌نگارانه)<sup>۱</sup>

محمدتقی ایمان<sup>۲</sup>، مهتا بذرافکن<sup>۳\*</sup>

### چکیده

منطقه عسلویه با پارس جنوبی یکی از مناطق پرتراфик و صنعتی خاورمیانه است که تأثیر عمیقی بر زندگی مردم بومی مجاور منطقه و به‌طور مشخص، بر زندگی زنان ساکن آنجا گذاشته است. از آنجا که شرکت‌های پتروشیمی زیادی در منطقه مشغول به کارند، مطرح کردن بحث مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌تواند نقش مثبتی بر وضعیت زندگی مردم داشته باشد و از این لحاظ حائز اهمیت است. بدین منظور پژوهش حاضر درصدد است با رویکرد تفسیرگرایی انتقادی، درک معنایی زنان ساکن در مجاورت منطقه گازی پارس جنوبی عسلویه را از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در برابر ذی‌نفعان بررسی کند. برای انجام دادن این پژوهش، از روش‌شناسی کیفی و از روش مردم‌نگاری انتقادی و تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با مشاهده استفاده شده است. بدین منظور با در نظر گرفتن ترکیب سن، شغل، وضعیت تأهل و عنصر بومی بودن با ۱۵ زن ساکن مناطق اطراف منطقه انرژی پارس، که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند، مصاحبه شد. از داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، چهار مقوله آسیب‌های اجتماعی، توانمندسازی زنان، سلامت و محیط زیست و توسعه و رفاه اجتماعی استخراج و تحلیل شد و سپس طرح‌واره نظری ارائه شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که زنان مجاور این منطقه از رونق اقتصادی و برخی موقعیت‌های پیش‌آمده برای توانمندسازی زنان، ارزیابی مثبتی داشته‌اند؛ اما عملکرد شرکت‌ها در خصوص مسئولیت اجتماعی شرکتی‌شان را منفی ارزیابی کرده‌اند. آن‌ها معتقد بودند که با توجه به تأثیر مستقیم شرکت‌ها بر زندگی‌شان، شرکت‌ها باید در برابر پیامدهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی ناشی از حضورشان در منطقه احساس مسئولیت کنند و برنامه‌های مداخله‌ای و اصلاحی و کارشناسی شده داشته باشند.

### کلیدواژگان

تغییرات اجتماعی، توسعه، سلامت، صنعتی‌شدن، مردم‌نگاری انتقادی، مسئولیت اجتماعی شرکتی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «مطالعه مردم‌نگارانه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در ادراک مردم جامعه ساکن در پیرامون منطقه ویژه انرژی پارس» در دانشگاه شیراز بخش جامعه‌شناسی است.

iman@shirazu.ac.ir

۲. استاد تمام رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز

mhtabzr@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری تغییرات اجتماعی، دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۵

## مقدمه و بیان مسئله

مسئولیت اجتماعی شرکتی<sup>۱</sup> در حیطه مدیریت و اقتصاد مطرح است و رویکردی فایده‌انگارانه دارد، اما از آنجا که هدف جامعه‌شناسی به چالش کشیدن و حل مسائلی است که توسعه پایدار، محیط زیست، امنیت، رفاه، آزادی، سلامت، آموزش، فرهنگ، و زندگی جوامع انسانی و به‌خصوص گروه‌های در حاشیه را تهدید می‌کند و شرکت‌ها در مناطق صنعتی بر همه این مسائل تأثیرگذارند، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در حیطه جامعه‌شناسی نیز می‌تواند مطرح و با رویکردی هنجاری و منتقدانه به آن پرداخته شود [۱۳، ص ۴]. با این رویکرد، می‌توان مسائلی مانند سلامت، توسعه، فرهنگ، محیط زیست و مسائل اجتماعی، توانمندسازی گروه‌های در حاشیه را مطرح کرد. ظهور مسئولیت اجتماعی شرکت در اواسط قرن بیستم را می‌توان تلاشی برای خلق روح در جسم شرکت دانست [۱۲، ص ۱۶]. شرکت‌ها در زندگی روزمره آمیخته می‌شوند و در بیشتر مسائل تأثیر گسترده‌ای دارند و علاوه بر تأثیرگذاری بر اقتصاد و محیط، بر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی نیز مؤثرند [۲۶، ص ۵۸]. به‌طور کلی، دو دیدگاه مختلف درباره مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها مطرح است که عبارت‌اند از: دیدگاه هنجاری و دیدگاه ابزاری [۱۲، ص ۱۴]. در هر دو رویکرد، تمرکز اصلی بر «ذی‌نفعان» است. ذی‌نفعان گروه‌هایی هستند که بدون حمایت آن‌ها سازمان وجود نخواهد داشت [۱۷، ص ۲۴]. به نظر فریمن، ذی‌نفع، هر گروه یا فردی است که بر اهداف سازمان تأثیر می‌گذارد یا از آن تأثیر می‌گیرد [۱۷، ص ۲۶]. در رویکرد ابزاری، گفته می‌شود که هدف اصلی شرکت، به دست آوردن سود برای سهام‌داران برای ذی‌نفعان است. کسب و کار تا زمانی که از قوانین بازی پیروی کند، فقط مسئولیت دارد که از منابع خود برای مشارکت در فعالیت‌های طراحی‌شده برای افزایش سود خود استفاده کند. به گفته لویت، شرکت‌ها باید بر بهبود تولید و افزایش سود تمرکز داشته باشند و درعین حال از قوانین بازی شامل رفتار صادقانه و عادلانه تبعیت کنند و حل این مسائل اجتماعی باید برعهده دولت باشد [۲۳، ص ۱۲۴]. بدین ترتیب، دیدگاه اول، دیدگاهی سنتی و پول‌محور است، دیدگاه دوم رویکردی هنجاری است و در آن اعتقاد بر این است که کسب‌وکار به منزله برعهده داشتن دامنه گسترده‌ای از مسئولیت‌های اقتصادی و مدنی است و علاوه بر سهام‌داران، ذی‌نفعان خارج از شرکت را نیز شامل می‌شود که گستره وسیع‌تری از جمله مردم محلی هستند [۲۱، ص ۶۰۶]. سنت پژوهش در مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، براساس دیدگاه هنجاری، در درجه اول به این سؤال پاسخ می‌دهد که چرا شرکت‌ها باید مسئولانه عمل کنند [۱۹]. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، تعهد کسب‌وکارها برای مشارکت در توسعه پایدار، کمک به کارکنان و خانواده‌هایشان، جوامع محلی و جامعه بزرگ‌تر، برای بهبود کیفیت زندگی آن‌هاست

[۲۰، ص ۱۶]. مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت یکی از مسائل اخلاقی و معنوی پیرامون رفتار و تصمیم‌گیری شرکت‌هاست [۱۵]. با توجه به مطالب گفته‌شده، اهمیت پرداختن به مسئولیت اجتماعی شرکت در منطقه گازی پارس جنوبی را، که در منطقه عسلویه از توابع استان بوشهر واقع شده است، می‌توان دریافت. در این منطقه، ده‌ها شرکت پتروشیمی در ابعاد بین‌المللی مشغول به کارند. این منطقه به گونه‌ای پرشتاب برای بهره‌برداری از منابع گاز مشترک ایران و قطر ساخته شد. از آنجا که قطر پیش از ایران شروع به برداشت گاز کرده بود، ایران نیز برای عقب‌نماندن از رقیب و با رویکرد توسعه اقتصادی به سرعت شروع به بهره‌برداری از گاز کرد و به دنبال آن، برخی مقوله‌های مهم و تأثیرگذار در مسیر توسعه پایدار و پاک، توسعه متوازن، مسائل اجتماعی و سلامت، و محیط زیست به دست فراموشی سپرده شد. از نظر زیست‌محیطی، هم‌اکنون آلودگی عسلویه چندین برابر تهران است. وجود پسماندهای شیمیایی، مواد شیمیایی مانند گوگرد، آلاینده‌های ریزبومی گاز، و ده‌ها مشکل زیست‌محیطی دیگر تهدیدی جدی برای زندگی و سلامت مردم مجاور پالایشگاه محسوب می‌شود. همچنین، مهاجران بی‌شماری که از سراسر کشور به منطقه وارد شده‌اند، ابعاد دیگری بر مشکلات منطقه افزوده‌اند. مسائلی همچون نامطلوب بودن کمپ‌های کارگری به دلیل فقدان تمهیدات لازم برای سازماندهی کارگران مهاجر، تهدید سلامت عمومی، کمبود تفریحات سالم، دوربودن کارگران از محیط خانواده و تجرد، چندفرهنگی بودن، و نبود کنترل و نظارت اجتماعی کافی، سبب کاهش امنیت اجتماعی و افزایش آسیب‌های اجتماعی شده است. همین مسئله موجب شده که طبق پژوهش‌های اجتماعی، آمار اعتیاد و سایر انحرافات اجتماعی در عسلویه بالا باشد. از سویی، وضعیت زیست‌محیطی منطقه نیز سبب افزایش بیمارهای تنفسی و قلبی شده است [۱۱]. در این میان، زنان یکی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه پیرامونی شرکت‌های پتروشیمی‌اند که از سویی در معرض آلاینده‌های شیمیایی محیطی هستند و از سوی دیگر، تحت تأثیر مسائل اجتماعی در شرایط ویژه‌ای به سر می‌برند. افزایش تعداد کارگران مهاجر، اعتیاد، مهاجرت، کمبود فرصت‌های آموزشی و شغلی و ضعف امنیت اجتماعی پیشگیرانه از مسائلی است که زنان در این مناطق با آن مواجه‌اند. بخشی از این مسائل در حیطه مسئولیت اجتماعی شرکت‌هاست. شرکت‌ها می‌توانند با حمایت از این گروه‌های در حاشیه نقش زیادی در پایداری اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی‌شان داشته باشند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که وضعیت امروز عسلویه چندان خوشایند نیست. به نظر می‌رسد رویکرد توسعه‌ای فقط معطوف به اقتصاد بوده است و کیفیت زندگی اجتماعی مردم محلی چندان مورد توجه نبوده است. مهم‌ترین سؤالی که در این خصوص مطرح است این است که جایگاه مردم محلی در پروژه‌های صنعتی کجاست؟ آیا زنان و خانواده‌هایشان، که در معرض آسیب‌های مختلف ناشی از پیامدهای فعالیت صنعتی هستند، در این پروژه‌ها دیده می‌شوند؟ دست‌یافتن به شرح عملکرد شرکت‌ها در حیطه مسئولیت

اجتماعی‌شان دشوار است و مدیران نیز مدعی‌اند که به مسئولیت اجتماعی شرکت واقف‌اند و به آن توجه دارند. اگر چنین باشد، عملکرد شرکت‌ها باید در جامعه محلی به‌عنوان ذی‌نفع نمایان باشد. حال آنکه پژوهش‌ها نشان‌دهنده وضعیت نامساعدی است. مردم محلی می‌توانند درک کنند که شرکت‌ها چگونه به مسئولیت اجتماعی‌شان عمل کرده‌اند. این پژوهش بر آن است که با رویکرد جامعه‌شناختی و با شیوه مردم‌نگاری انتقادی با در نظر گرفتن ابعاد مختلف مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و با تأکید بر بعد هنجاری، بازخورد عملکرد شرکت‌ها در قبال بخشی از ذی‌نفعان خارجی- مردم محلی- را پی‌گیری و این معنا را ادراک و تجربه زنان ساکن در منطقه ویژه انرژی پارس جنوبی را کشف کند.

### ملاحظات نظری

در تحقیقات کیفی چارچوب نظری مبنا نیست و به همین دلیل چارچوب نظری در این نوع تحقیقات وجود ندارد. اما در یک تحقیق استقرایی نظریه‌ها در خدمت پیشنهاد جهت‌هایی قرار می‌گیرند که محقق می‌تواند به آن‌ها نگاه کند و این حساسیت نظری است که در فرایند تحقیق به کمک محقق می‌آید. در حساسیت نظری بر ایده‌ها و مفاهیمی که در فرایند تحقیق ظهور می‌کند و مؤید نظریه مبتنی بر تجربه‌های مشارکت‌کنندگان است متمرکز می‌شود و در واقع مفاهیم هدایتگر تحقیق به‌شمار می‌آیند [۱، ص ۸۷] به همین دلیل، ابتدا در قالب چارچوب مفهومی بررسی پیشینه و ادبیات تجربی مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها مرور شد. در طول دوپست سال گذشته، یک فرایند تاریخی جهانی همه دنیا را دگرگون کرده است. این فرایند، صنعتی‌شدن و پدیدآمدن جوامع صنعتی است. جوامع صنعتی اولیه آشکارا با جوامع پیش‌صنعتی که جایگزین آن‌ها شدند تفاوت بسیار دارند؛ همان‌گونه که ماشین بخار و سازمان‌دهی کار در کارخانه‌ها، که منتقدان آن‌ها را «کارخانه‌های شیطانی» می‌نامیدند، نشانه گسستگی کامل از گذشته بود، امروز نیز شاهد دگرگونی عمیق جامعه صنعتی هستیم که اثبات کرده است بسیار فعال و پویا و پیوسته در حال تغییر است [۸، ص ۲۴]. شرکت‌ها به‌دنبال توسعه و اتخاذ دستورالعمل‌های اخلاقی در سیستم‌های مدیریتی و فرهنگی شرکت خود هستند و در نتیجه نه تنها دوست دارند به فشار ذی‌نفعان پاسخ دهند، بلکه دوست دارند تصویری از کسب‌وکار به‌وجود آورند، مبنی بر اینکه فقط به دنبال سود نیستند و مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی را نیز در نظر گرفته‌اند [۲۲]. کمیسیون اروپایی<sup>۱</sup> مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را بدین شکل تعریف می‌کند: «مفهومی که به موجب آن، شرکت‌ها به شکل اختیاری تصمیم می‌گیرند که در داشتن محیطی پاکیزه‌تر و جامعه‌ای بهتر مشارکت داشته باشند» [۱۶، ص ۲۲]. مک

1. European Commission

ویلیامز و سیگل، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را اعمالی می‌دانند که موجب افزایش نیکی‌های اجتماعی فراتر از منافع شرکت شود که قانون آن‌ها را الزامی می‌داند [۲۵]. به باور کارول (۱۹۷۹)، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها یعنی مسئولیت‌داشتن در قبال پول و تعامل اخلاقی با جامعهٔ اطراف و در این خصوص چهار تعهد وجود دارد. اول: مسئولیت‌های اقتصادی به پول؛ دوم: مسئولیت قانونی و پایبندی به قوانین و مقررات؛ سوم: مسئولیت اخلاقی برای انجام‌دادن آنچه درست است، بدون نیاز به اعمال قانون یا نامه‌نگاری در این نوع مسئولیت، شرکت، فرهنگ سازمانی منسجمی دارد که دیدگاه کسب‌وکارش را بر مبنای مطرح‌شدن به‌مثابهٔ یک شهروند مسئول در جامعه بنیان کرده است؛ چهارم: مسئولیت بشردوستانه برای کمک به پروژه‌های جامعه. اگرچه این پروژه‌ها مستقل از کار شرکت‌ها هستند، شرکت‌ها با سخاوت‌مندی و برای رفاه جامعه و پیشرفت آن هزینه‌هایی متحمل می‌شوند [۴۶، ص ۱۴]. شرکت‌های پتروشیمی با مواد خطرناک سرطان‌زا، آلاینده‌های صنعتی، مهاجرت‌های فصلی کارگران، تخریب مناطق حاشیه‌ای و عوامل برهم‌زنندهٔ اکوسیستم‌های طبیعی و زیستی و... سروکار دارند و در نتیجه با مسائل حاشیه‌ای بیشتری هم مواجه‌اند و باید پاسخ‌گو باشند. قانون و مقررات حد و مرزی برای کارکردن این شرکت‌ها معین کرده است؛ اما آنچه مسلم است، این قوانین در اجرا با مشکلات زیادی روبه‌روست؛ مثلاً، کنترل کامل آلاینده‌ها و ذرات مضر معلق در هوا چگونه امکان‌پذیر است؟ کودکان و زنان دو گروه حاشیه‌ای‌اند که زندگی پیرامون شرکت‌ها برایشان خطرات بالقوه و بالفعل دارد. توانمند کردن این گروه‌ها می‌تواند خطرها را از هر حیث کاهش دهد. زنان به‌عنوان نیمی از پیکرهٔ اجتماع، نقش مهمی در تحولات اجتماعی یک منطقه ایفا می‌کنند. توانمندسازی زنان نیز کمک به توسعهٔ همه‌جانبه در یک منطقه است. زنان بخش بزرگی از جامعه را تشکیل می‌دهند؛ اما معمولاً در برنامه‌های توسعه سهم کمی به آن‌ها اختصاص داده می‌شود. برآوردن نیازهای مالی زنان، افزایش ارتباطات اجتماعی، داشتن حق تصمیم‌گیری مالی، ایجاد خودباوری در زنان برای کسب مشاغل مناسب، داشتن درآمد مستقل، از جمله مسائل اقتصادی زنان است [۳۱]. مسائل اجتماعی و فرهنگی زنان مانند امنیت، رفاه و اوقات فراغت، آموزش و سلامت و اموری از این قبیل نیز اهمیت زیادی دارد و همهٔ این‌ها می‌تواند در حیطهٔ مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در قبال ذی‌نفعان خارج از شرکت بررسی شود. از آنجا که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌تواند کاهندهٔ پیامدهای صنعتی‌شدن و افزایش کیفیت زندگی مردم مجاور این مناطق باشد، هر جا این مناطق صنعتی وجود دارد، بحث مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نیز اهمیت دارد. در خصوص مسائل اجتماعی در منطقهٔ عسلویه صادقی فسایی (۱۳۸۵) در پژوهش خود با عنوان «ارائهٔ الگویی مفهومی برای مسائل و انحرافات اجتماعی عسلویه» به وضعیت نابسامان محیط‌های کارگری و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی منطقه به‌طور کلی تأکید کرده است [۴]. طالبیان و همکاران (۱۳۸۷) نیز در پژوهش خود

تحلیل با عنوان «تأثیر اجتماعی توسعه صنعتی در منطقه عسلویه» اذعان داشته‌اند که محیط‌های صنعتی، که با حضور انبوه کارگران کم‌سواد و غیربومی شکل می‌گیرند و برنامه‌ریزی مناسبی نیز جهت مدیریت آن‌ها صورت نمی‌گیرد، به طور سریع به محیط‌های جرم‌زا و خطرناک تبدیل می‌شوند و انواع بزه‌ها و انحرافات به سرعت دامنگیر این اجتماعات می‌شود [۵]. صابری زفرقندی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «وضعیت مصرف مواد، اعتیاد و خدمات مربوطه در کارگران منطقه صنعتی عسلویه (میدان گاز پارس جنوبی)» اذعان داشتند که با تراکم جمعیت کاری در میدان گاز پارس جنوبی (عسلویه)، احتمال افزایش آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه اعتیاد، نگرانی‌هایی را ایجاد کرده است. زنجیره ارزش، مفهومی شرح داده شده از سوی پورتر (۱۹۸۵)، می‌تواند به‌منزله یک چارچوب برای شناسایی پیامدهای اجتماعی و زیست‌محیطی مثبت و منفی فعالیت‌های شرکت‌ها باشد. بر این اساس، پورتر و کرامر معتقدند زنجیره تصمیم‌گیری‌های سیاست اجتماعی شرکت‌ها باید در این جهت باشد که کل جامعه از منافع آن بهره‌مند شوند. بنابراین، جوامع سالم و شرکت‌های موفق به هم نیاز دارند [۲۸]. در همین راستا، لانتوس (۲۰۰۱) استدلال می‌کند که «قرارداد اجتماعی شرکت‌ها بر این اعتقاد است که کسب‌وکار و جامعه شرکای برابر هستند، با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از حقوق و داشتن مسئولیت متقابل» [۲۱]. امروزه، نقش کسب‌وکار در جامعه تغییر کرده و شرکت‌ها همانند شهروندان، همان‌گونه که از امکانات و منابع جامعه برای رسیدن به سود مطلوب استفاده می‌کنند، باید دین خود به جامعه را نیز ادا کنند و سهم خود را در جهت ارتقای استانداردهای زندگی پردازند و اهدافشان را منطبق بر پایداری به برنامه‌های توسعه پایدار تعریف کنند. سؤالات متعددی در این خصوص مطرح می‌شود. این شرکت‌ها در قبال مردم، به‌خصوص گروه‌های در حاشیه مانند زنان در مناطق پیرامونی، چه مسئولیت‌هایی برعهده دارند و چگونه می‌توانند به مسئولیتشان عمل کنند؟ [۱۰] و از طرفی باید دید که زنان در خصوص مسئولیت شرکت‌ها در قبال خود و خانواده‌هایشان چگونه می‌اندیشند؟ آیا زنان در جهت پی‌گیری مطالباتشان کنشگری مدنی داشته‌اند؟ آیا شرکت‌ها را مسئول وضعیت نامناسب شرایط خود می‌دانند؟ آیا اثری از عدم مسئولیت اجتماعی شرکت بر زندگی روزمره خود احساس می‌کنند؟ با وجود اهمیت مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در توسعه و تغییر اجتماعی و همچنین اهمیت وجود معیارهای بین‌المللی و پایداری جهت سنجش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، عدم گزارش‌دهی و عدم نظارت بر این حوزه، در ایران شفافیت اطلاعاتی برای ارزیابی و سنجش این مسئله و میزان سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکت‌ها، براساس معیارهای بین‌المللی از سوی شرکت‌ها به مردم و رسانه‌ها گزارشی داده نمی‌شود؛ اما مردم محلی در این ساختارها به‌مثابه کنش‌گرانی‌اند که می‌توانند عملکرد شرکت‌ها در میزان عمل به مسئولیت اجتماعی‌شان را در زندگی روزمره‌شان درک و احساس کنند. به همین دلیل، درک معنایی آنان از مسئولیت

اجتماعی شرکت‌ها می‌تواند بیانگر میزان پاسخ‌گویی شرکت‌ها برای این مسئله مهم باشد. زنان نیز از جمله گروه‌هایی هستند که به‌عنوان ذی‌نفعان محلی می‌توانند وضعیت خویش را در برخورداری از این امکان بالقوه بیان و درباره عملکرد بالفعل شرکت‌ها و نقش آن‌ها در زندگی‌شان داوری کنند.

## روش تحقیق

این پژوهش براساس رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی که انسان را منبع هرگونه ساخت‌وساز و تغییر در واقعیت‌های اجتماعی می‌داند انجام شده است. درک انسان‌ها از واقعیت‌ها، تغییر در واقعیت‌ها و چگونگی معنادار کردن آن‌ها بسیار مهم است [۱، ص ۵۵]. مردم‌نگاری یکی از روش‌های پژوهش در این رویکرد است. مردم‌نگاری، پژوهشی بازتابی است؛ ترسیم خانواده‌ای از روش‌ها، شامل تماس مستقیم و مداوم با عوامل انسانی، حضور در متن زندگی (و فرهنگ‌های) روزمره، تماشای آنچه اتفاق می‌افتد، گوش دادن به آنچه گفته می‌شود، پرسیدن سؤال و ایجاد روایتی کاملاً نوشته شده است. این روش، نقش نظری و همچنین نقش خود پژوهشگران و انسان‌ها را به‌منزله بخشی از سوژه و بخشی از ابژه تصدیق می‌کند [۲۷، ص ۳]. مردم‌نگاری مستلزم مشاهده مردم در محیط طبیعی آن‌هاست. همه تحقیقات مردم‌نگاری «مطالعه موردی» تلقی می‌شود و مورد پدیده‌ای است که در زمان و مکان قرار دارد و داده‌ها درباره آن گردآوری و تحلیل می‌شوند [۱، ص ۵۰]. مردم‌نگاری انتقادی<sup>۱</sup> به دنبال تغییر شرایط و خلق شرایطی است که محصول آن تغییر سیاسی یا انتقادی در بستر فرهنگی مطالعه‌شده است [۱، ص ۳۴]. مردم‌نگاری انتقادی برای به چالش کشیدن پژوهش، سیاست، و دیگر اشکال از فعالیت‌های انسانی است و به‌کارگیری دانش برای ایجاد آگاهی و تغییر اجتماعی و انتقاد به عناصری است که به‌طور خودآگاه مشارکت اجتماعی گروه‌های حاشیه‌ای را محدود کرده است [۲۹]. بدیهی است که مردم‌نگاری انتقادی بیشتر به مطالعه افراد و گروه‌های اجتماعی تحت ستم و در حاشیه می‌پردازد که سرکوب‌های غیرضروری را تا حدی تجربه می‌کنند و در جهت تحقق فرصت‌های جایگزین این نوع سرکوب‌هاست. مردم‌نگار انتقادی هشدار می‌دهد که همه‌چیز آن‌طور که به نظر می‌رسد نیست؛ اگرچه در نظر می‌گیرد که بقای هر جامعه به سرکوب برخی از کنش‌ها نیاز دارد و برخی از محدودیت‌ها برای رشد و هماهنگی اجتماعی ضروری‌اند، اما محدودیت‌هایی هم وجود دارند که به گروه‌هایی از مردم تحمیل می‌شود، مزیت‌ها و فرصت‌ها در اختیار تعدادی از افراد قرار می‌گیرد و در نتیجه به‌طور ناعادلانه‌ای دسترسی برخی از گروه‌ها به منابع ارزشمند مانند (آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و اشتغال و

امنیت در سطوح مختلف) محدود شده و موجب حذف‌شدنشان از مشارکت اجتماعی می‌شود که این نوع محدودیت‌ها غیرضروری‌اند [۲۹، ص ۵۴]. مردم‌نگاری انتقادی همانند مردم‌نگاری معمولی با رعایت ضوابط هسته‌ای روش مردم‌نگاری، بر جمع‌آوری داده‌های کیفی، تفسیر داده‌ها به روش کیفی و تجزیه و تحلیل آن‌ها بر مبنای پارادایم تفسیری انتقادی تکیه دارد و هدف آن نیز توسعه نظریه است [۱۷] و این ویژگی که «مردم‌نگاری انتقادی با هدف توانمندسازی، آگاهی‌بخشی و به چالش کشیدن موضوعاتی است که سبب به حاشیه رانده شدن گروهی از مردم می‌شود و از دیدگاه حمایتی برخوردار است» آن را از مردم‌نگاری معمولی متمایز می‌کند [۲۹، ص ۶۳].

در این پژوهش، کشف معنای «مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها» در ادراک زنان مجاور منطقه‌ی گازی عسویه کانون توجه و بررسی است و درحقیقت به چالش کشیدن مسئولیت اجتماعی شرکتی نسبت به ذی‌نفعان خارجی است. در مردم‌نگاری، برای انتخاب یک یا چند «مورد» از جامعه کل، از نمونه‌گیری هدفمند، که نوعی نمونه‌گیری غیراحتمالی است، استفاده می‌شود و محقق عمده‌اً به انتخاب محیط‌ها، افراد یا وقایع خاصی می‌پردازد که حاوی اطلاعات مهمی است [۱، ص ۵۱]. تکنیک‌های مرسوم جمع‌آوری اطلاعات در این روش عمدتاً مصاحبه، مشاهده و یادداشت‌های میدانی‌اند. در این پژوهش برای ارزیابی ادراک عمومی و درک پیوندهای مردم محلی با این منطقه صنعتی عظیم، تأثیر این پروژه بر زندگی روزمره زنان به‌منزله یکی از گروه‌های در حاشیه مناطق صنعتی، با زنانی از اقشار مختلف مصاحبه انجام شد و داده‌هایی مطابق با روش‌شناسی کیفی و روش تحقیق مردم‌نگاری، جمع‌آوری شد. ابزار این پژوهش، مشاهده، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، و یادداشت‌های میدانی است. ابتدا، میدان تحقیق توصیف شد. سپس گروه‌های ذی‌نفع شناسایی و اطلاعات انجام‌شده گردآوری شد. در مرحله آخر نیز، کدگذاری و تحلیل اطلاعات انجام شد. پژوهشگر یک سال در میدان تحقیق حضور داشته و به مشاهده میدان تحقیق و یادداشت‌برداری از میدان پرداخته است. او برای تکمیل پژوهش نیز ۱۵ زن را با در نظر گرفتن ترکیب سن، وضعیت تأهل، و شغل و تأکید بر عنصر بومی بودن به صورت نمونه‌گیری هدفمند جهت مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انتخاب کرده است. این زنان همگی در تمام طول عمر (قبل و بعد از تأسیس منطقه) ساکن مناطق مجاور پارس جنوبی بوده‌اند. این مصاحبه‌ها طی ۳ ماه به‌صورت بازتابشی در مکان‌های مختلف از جمله منزل، محل کار، و دانشگاه انجام گرفته است. مدت مصاحبه به دلیل بازتابشی بودن تحقیق کیفی متغیر بوده و پژوهشگر برای رفع ابهامات گاهی تا چندین بار به آن‌ها مراجعه کرده است. در این تحقیق کیفی سعی شد زنان از گروه‌های مختلف اجتماعی و با ترکیب سنی و از همه مکان‌های مجاور منطقه گازی انتخاب شوند. برخی از آن‌ها به‌واسطه حضور پژوهشگر در منطقه با محقق آشنا بودند و برخی دیگر نیز از طریق آشنایان و بزرگان محلی مانند دهیاران معرفی شدند. مفهوم مسئولیت



اجتماعی شرکت‌ها پس از جمع‌آوری داده‌ها و کدگذاری اولیه، از بین مقوله‌های اصلی استخراج‌شده و براساس آن، تحلیل نهایی صورت گرفته است.

## یافته‌ها

ترکیب سنی پاسخ‌گویان از ۲۰ تا ۵۶ سال و تحصیلات آن‌ها از بی‌سواد تا کارشناسی است. میانگین سنی سوژه‌ها ۴۰ سال و میانگین تحصیلات، کارشناسی است. این ۱۵ زن دارای مشاغل هم‌چون وکیل، دبیر، معلم، پرستار، بهورز، کارمند، شغل آزاد، دانشجو و خانه‌دار بوده و از نظر وضعیت زناشویی ۴۰ درصد مجرد و ۶۰ درصد متأهل انتخاب شده و نیز همگی بومی بوده و با توجه به سکونت در محل قبل از ایجاد منطقهٔ گازی پارس جنوبی عسلویه با مسائل آنجا به‌خوبی آشنا بودند و می‌توانستند وضعیت گذشته و حال را ارزیابی کنند. داده‌ها از طریق مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته و مشاهده و یادداشت‌های میدانی جمع‌آوری و از استقرای تحلیلی<sup>۱</sup> برای استخراج مقوله‌ها استفاده شد. بدین‌صورت که استقرا با مشاهدات خاص شروع و بعد از شناسایی گزاره‌ها به وسیلهٔ کدگذاری باز داده‌ها و پدیده‌ها در قالب مفاهیم عرضه می‌شود. سپس کدگذاری محوری صورت می‌گیرد. بدین‌صورت که محقق یک مفهوم را در کدگذاری باز شناسایی می‌کند و بر آن متمرکز می‌شود و سپس با رجوع به داده‌ها شواهد عینی مرتبط با آن مفهوم را استخراج می‌کند و در مرحلهٔ کدگذاری محوری یک مقوله ساخته می‌شود. این فرایند استخراج گزاره‌ها، کدگذاری باز، کشف مفاهیم، کدگذاری محوری، و عرضهٔ مقوله‌ها همه براساس داده‌های به‌دست‌آمده در میدان تحقیق صورت می‌گیرد و درنهایت مدل مفهومی ارائه می‌شود. در این پژوهش، این داده‌ها از متون مصاحبه با زنان و مشاهده و یادداشت‌های میدانی محقق به‌دست آمده است.

## مقولهٔ آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد، روابط نامناسب، فقر، نزاع، و امنیت اجتماعی)

ارزش‌هایی که مردم در موقعیت‌های مختلف اجتماعی پذیرفته‌اند، مبنایی برای تعیین اهمیت نسبی مشکلات اجتماعی است [۱۰، ص ۲۴]. ادراک مشکلات اجتماعی تحت تأثیر ساختار روابط اجتماعی میان مردم قرار داشته و به دو دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از بی‌سازمانی اجتماعی و کج‌روی. با توجه به مطالب یادشده و گزاره‌ها و مفاهیم استخراج‌شده از متن مصاحبه‌هایی که با زنان ساکن در مجاورت منطقهٔ ویژهٔ گاز عسلویه پارس انجام شد، مشکلاتی نظیر مهاجرت کارگران و فقدان سازماندهی آن‌ها در بافت بومی شهر، ناسازگاری با مردم بومی و با یکدیگر، نگرش منفی مردم بومی به این کارگران، نبود امنیت اجتماعی ناشی از حضور تنش‌زا و غیرکنترل‌شدهٔ آنان،

1. analytic induction

فقدان ظرفیت شهر برای پذیرش مهاجران تازه، و فاصله ایجاد شده بین زندگی کارگری بیرون از فنس<sup>۱</sup> با زندگی رده‌های بالای کاری مانند مهندسان و مسئولان در داخل فنس از بی‌سازمانی اجتماعی حکایت دارد که منشأ بروز مشکلات نوع دوم، و کج‌روی‌هایی مانند اعتیاد، چشم‌چرانی، نزاع‌های خیابانی، بدزبانی، و به‌کار بردن الفاظ رکیک، بروز ناامنی بین مردم بومی منطقه و به‌خصوص زنان شده است. با بررسی مشکلات اجتماعی منطقه، هم در مصاحبه‌ها و هم با مشاهده و ثبت رویدادهای میدان تحقیق، مهم‌ترین سرچشمه مشکلات و انحرافات اجتماعی در این منطقه محیط نابسامان کارگری است که در طول زمان به بزرگ‌ترین چالش منطقه برای مردم بومی تبدیل شده است و زنان بیشترین آسیب را از این مسئله دیده‌اند. تعداد کارگران و مهاجران با توجه به فصول سال و میزان فعالیت شرکت‌های پیمانکار متغیر است و حالتی به‌شدت سیال دارد، ولی هیچ‌گاه کمتر از ۵۰۰۰ نفر نبوده و در شلوغ‌ترین زمان کار، که از آبان ماه تا خرداد ماه است، تعداد آن‌ها بیش از ۵۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود. طبق گفته ساکنان محلی در سال‌های پیش، که اوج بهره‌برداری از میداین گازی بوده و نیز قبل از اعمال تحریم‌ها، تعداد کارگران به ۹۰ هزار نفر نیز می‌رسید که این تعداد، خارج از توان ظرفیت منطقه ارزیابی می‌شد. از طرف دیگر، تجرد بیشتر کارکنان و فقدان نظارت و کنترل اجتماعی به جهت غریبگی افراد و تنوعات فرهنگی و ضعف پایبندی به تعهدات اجتماعی و اخلاقی کارگران از جمله عوامل اثرگذار بر وضعیت فرهنگی منطقه است. طبق نظر ساکنان محلی، شرکت‌ها مسئولیت چندانی در قبال کارگران نپذیرفته و فقط به احداث کمپ‌هایی برای گذران زندگی آنان بسنده کرده‌اند و در مورد مسائل فرهنگی-اجتماعی آن‌ها برنامه‌ریزی نکرده‌اند. از نظر زنان این منطقه، اعتیاد کارگران، وضعیت نامناسب ظاهر و اخلاق و رفتار آن‌ها در بیرون از کمپ‌ها، مشخص نبودن وضعیت سلامت جسمی و روانی آن‌ها، نداشتن امکانات گذران سالم اوقات فراغت با توجه به تجرد آنان و نیازهای جسمی و روحی کارکنان و دوری آنان از خانواده سبب شده است امنیت به‌منزله مهم‌ترین حقوق اولیه افراد تهدید شود و زنان برای خود، فرزندان، و حتی همسرانشان احساس خطر کنند. آن‌ها شرکت‌ها را مسئول این وضعیت می‌دانند. سکینه ۳۸ساله، متأهل، خانه‌دار، دیپلم، و ساکن روستای کلات می‌گوید:

شهر شلوغ و کارگرها زیاد با هم و با مردم بومی دعوا می‌کنن. فحش می‌دن و الفاظ بد استفاده می‌کنن. هر زنی خجالت می‌کشه.

همچنین فاطمه ۴۸ساله، متأهل، خانه‌دار، ساکن نخل تقی، و با تحصیلات سیکل می‌گوید:

اعتیاد زیاد شده، خیلی معتاد بین کارگرها زیاده. ما برای همسر و فرزندانمون هم نگرانیم. امنیت ما واقعا در خطر. زن‌های خراب هم میان به‌خاطر این کارگرها، معلوم نیست سالم باشن یا نباشن. شاید ایدز داشته باشن و صد درد و مرض دیگه.

۱. فنس دیوارهای توری‌مانند و مرز بین روستاها و منطقه ویژه است. بومی‌ها این اصطلاح را به‌کار می‌برند.

زهرآ ۴۱ ساله متأهل، با تحصیلات کارشناسی، کارمند بهداشت، و ساکن روستای بیدخون نیز می‌گوید:

آلودگی و دود هست و گرونی و ناامنی و اعتیاد و گاهی زن‌های خراب هم باید بهش اضافه کنی که خودشون برای مردهای اینجا منبع خطرند. زن‌هایی که محلی نیستن و از جاهای دیگه می‌آن و می‌رن برای همین به چشم نمی‌آن. محیط کارگری که هیچ کنترلی روش نباشه، خیلی خطرناکه؛ هم برای سلامت مردم و هم خود کارگرا. شرکت برای ما زن‌ها چه کرده؟ گاهی که شهر شلوغه، ما عصرها جرأت بیرون رفتن تنها نداریم.

ثریا ۳۶ ساله، متأهل، تحصیلات فوق دیپلم، و معلم می‌گوید:

شرکت‌ها فقط کارگراشون رو از توی خیابون‌ها جمع کنن و محیط رو امن کنن برای ما زن‌ها کافیه. تو پارک‌ها، عصر که می‌شه کارگرا میان توی دستشویی‌هاش حمام می‌کنن و امنیت نیست. کلاً مهم‌ترین مسئلهٔ ما زنان توی این منطقهٔ کارگری امنیت.

### مقولهٔ سلامت و محیط زیست

سلامت همواره یکی از دغدغه‌ها و نیازهای مهم بشر بوده است و بدون آن، جامعه هم از نظر فیزیکی و هم از نظر روانی از هم می‌پاشد. با پیشرفت تکنولوژی، جوامع برای سالم‌تر شدن و سرکوب بیماری‌ها خود را مجهزتر کردند؛ اما از طرفی عوامل تهدیدکنندهٔ ناشی از فعالیت‌های صنعتی نیز جوامع را بیشتر در معرض خطر قرار داد. از این منظر، بحث سلامت و محیط زیست به هم پیوسته‌اند. صنعتی‌شدن عامل اصلی آلودگی‌های زیست‌محیطی و تهدیدکنندهٔ سلامت جامعه بوده است و مهندسان و پژوهشگران همواره سعی کرده‌اند هم‌زمان با بهبود تکنولوژی، مسائل زیست‌محیطی و سلامت جوامع را تأمین کنند. با وجود این، شرکت‌های پتروشیمی، عوامل تهدیدکنندهٔ سلامت انسان‌ها و محیط زیست را افزایش می‌دهند. رشد شتاب‌زده و توسعهٔ یکسویه و مدنظر قرار ندادن مسئلهٔ سلامت و محیط زیست سبب شده است که محیط زیست منطقهٔ عسلویه با آلاینده‌های مختلف آکنده شود و تأثیری بسیار منفی بر همهٔ موجودات زمین و دریا و همچنین سلامت مردم داشته باشد. البته پژوهش‌های علمی نیز تأثیر آلودگی هوا بر جنین و مادر را تأیید می‌کنند. بررسی داده‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش و مصاحبه با مردم ساکن در منطقه و مشاهدات محقق، بیانگر این موضوع است که مردم به‌شدت از وضعیت سلامت خود و محیط زیست نگران‌اند و البته از این مسائل آسیب دیده‌اند. این مسئله باعث بروز مشکلات تنفسی و خونی برای مردم منطقه شده است و این آسیب‌ها برای زنان شدیدتر بوده است. برخی زنان از تأثیر هوای آلوده بر جنین، داشتن بارداری‌ها و زایمان‌های پرخطر،

دسترسی نداشتن به پزشک متخصص زنان و زایمان در منطقه، و دسترسی نداشتن به امکانات و تجهیزات لازم برای این گونه بارداری‌ها اشاره کرده‌اند. آن‌ها به طور مستقیم شرکت‌ها را مسئول این وضعیت می‌دانند و همگی اذعان داشتند که شرکت‌ها در این خصوص برای زنان نه تنها کاری انجام نداده‌اند، بلکه کمک‌هایی مانند دادن یارانه‌های پزشکی، بیمه‌های درمانی، و... نیز نداشته و اساساً زنان را از یاد برده‌اند. آن‌ها علاوه بر مسئله آب‌وهوای آلوده، رسیدگی نکردن به کمپ‌های کارگری به منظور نظارت بر کارگران و مشکوک بودن برخی از آنان به دلیل ارتباط با زنان بدنام و خطر اشاعه بیماری‌هایی مانند ایدز، هیپاتیت و بیماری‌های پوستی و همچنین، مسئله اعتیاد و زباله‌های صنعتی و بیمارستانی را نیز از جمله مسائلی برشمردند که سلامت آن‌ها و فرزندانشان را تهدید می‌کند. در این خصوص، مریم ۳۰ساله متأهل، خانه‌دار با تحصیلات فوق دیپلم بومی روستای اخند می‌گوید:

محیط کارگری که هیچ کنترلی روش نباشه، برای همه شاید بهداشت نظارت کمی داشته باشه؛ ولی باوجود جابه‌جایی این همه کارگر، نمی‌شه کار زیادی کرد. آلرژی، بیماری‌های تنفسی و ده‌ها درد بی‌درمون دیگه. خیلی اطلاع ندارم از نظر قانونی پیمانکاران چقدر مسئولیت دارن؛ ولی از نظر وجدانی و انسانی خودشون باید درک کنن.

سهیلا ۳۷ساله، مجرد، کارمند بهداشت با تحصیلات فوق دیپلم ساکن بومی روستای بیدخون می‌گوید:

از ایمنی کارگرها مثل جابه‌جایی شون با اتوبوس‌های اسقاطی گرفته تا کنترل نکردن سلامتی شون. اینجا روسپیگری هم به شکل پنهان وجود داره. همین مسئله باعث شده که از نظر سلامت عمومی خیلی حساسیت بیشتر بشه؛ اینکه مثلاً سالم‌ان و بیماری‌ای مثل ایدز نداشته باشن و این جور مسائل. من خودم چون تو بخش بهداشت شاغلم، خیلی از این مسائل می‌ترسم. زباله‌های بیمارستانی، صنعتی و این‌ها هم هست که واقعاً خطرناکه. البته اشغال‌های تزریق مواد رو تو همه مناطق کارگری می‌تونن ببینی. خب این‌ها نه فقط برای زن‌ها و بچه‌ها، برای عموم مردم خطر داره. البته بقیه چیزها مثل آلودگی محیط زیست و آلودگی خون مردم و بیماری‌های تنفسی و زنان باردار و کودکان و این جور مسائل که این قدر گفته شده و ما حرکت محسوسی برای رفع آن از شرکت‌ها ندیدیم، در حالی که خودشون خوب می‌دونن که این‌ها نتیجه کار خودشونه.

معصومه ۴۸ساله، متأهل و خانه‌دار دارای تحصیلات سیکل و بومی روستای کلات می‌گوید:

دخترم پنج سالشه و هزینه‌های درمانش واقعاً سخته. درحالی که دکتر می‌گه بیماری دختر من به خاطر تنفس هوای آلوده در ایام بارداریه، اما ما هیچ حقوقی نداریم اینجا. خیلی از بچه‌ها این طوری متولد شدن. خیلی‌ها در معرض خطرند.

منیژه ۲۷ ساله، مجرد، دانشجوی مقطع کارشناسی در عسلویه و بومی روستای کلات می‌گوید:

حتماً شنیده‌اید که می‌گن خونهٔ ما مردم عسلویه از بس آلوده‌ست، قابل استفاده نیست. حالا فکر کنید این زنان و دختران باردار می‌شن و خدا می‌دونه با چه خطراتی روبه‌رو هستند.

آسیه ۴۹ ساله، متأهل، دارای ۳ فرزند، دبیر، و بومی عسلویه می‌گوید:

آیا این پیمانکاران با این درآمدهای میلیاردی نباید به وضعیت ما مردم بومی ساکن اینجا رسیدگی کنن؟ من واقعاً برای بچه‌هام نگرانم. چی بر سر این‌ها می‌آد با این همه آلودگی. از نظر قانونی نمی‌دونم؛ ولی محض رضای خدا که می‌تونن. شرکت‌ها باید به زنان و بچه‌هاشون حق بیمه و آلودگی بدن، حق درمان بدن. ما چه گناهی کردیم از بام تا شام تو خونهٔ آبا و اجدادی مون دود تنفس کنیم، بی‌جیره و مواجب؟ من اگه بدونم چطور باید حقوقم رو پی‌گیری کنم، دنبالش رو می‌گیرم.

### مقولهٔ توانمندسازی زنان (اشتغال و تحصیلات، نفی خشونت)

یکی از اهداف ایجاد مناطق صنعتی، دستیابی به توسعهٔ اقتصادی است و توسعهٔ اقتصادی مستقل از توسعهٔ فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و... نیست. به‌طور کلی همهٔ ابعاد توسعه به‌هم پیوسته است و بر هم تأثیر می‌گذارند. توانمندسازی زنان یکی از نشانه‌های جامعهٔ توسعه‌یافته است. توانمندسازی فرایندی است که طی آن افراد برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که باعث تسلط آن‌ها بر سرنوشت خود می‌شود. توانمندسازی به مفهوم غلبه بر نابرابری‌های جنسیتی است. اگرچه هر جا کمپانی‌ها باشند، بحث مسئولیت اجتماعی‌شان در برابر ذی‌نفعان محلی هم مطرح می‌شود، علاوه بر آن فعل و انفعالات میدانی و زندگی‌کردن در میان این حوادث نیز بر ادارک ساکنان پیرامون شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد و موجب تغییر نگرش آن‌ها می‌شود. شرکت‌ها باعث به‌وجود آمدن فضای مثبت ذهنی در ساکنان می‌شوند. به گفتهٔ زنان این مسئله در این منطقه، در آموزش و پرورش، اوقات فراغت، کار و اشتغال زنان، تغییر سبک زندگی، مطالعه و ارتباطات جمعی مشهود است. این نشان می‌دهد که شرکت‌ها می‌توانند با استفاده از همین فضای مثبت، زمینهٔ بهبود زندگی و توانمندسازی این گروه‌ها را فراهم کنند. از تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده در منطقه، زنان تغییر نگرش جامعهٔ مردسالار بومی را در حوزهٔ زنان و خانواده، آموزش و کار و اشتغال را در مقایسه با قبل مثبت ارزیابی کردند. همچنین، آن‌ها به آگاهی زنان در خصوص حقوق خودشان و نفی خشونت نیز اشاره کردند و وجود این شرکت‌ها را عامل مهم تغییر نگرش مردان دانستند. اما از نظر آن‌ها، شرکت‌ها برای اینکه زنان بتوانند از این تغییر نگرش استفاده کنند، فضایی ایجاد نکرده یا اگر فعالیتی در این زمینه کرده‌اند، بسیار محدود بوده است.

از جمله مسائلی که زنان در این خصوص عنوان کردند، نداشتن امکانات ورزشی امن برای گذراندن اوقات فراغت، نبود مراکز فرهنگی ویژه زنان، ایجاد نکردن زمینه‌های اشتغال زنانه بیرون از محدوده منطقه، عدم بهره‌گیری از مشارکت زنان تحصیل کرده در توسعه فرهنگی و اجتماعی منطقه و مسائلی از این دست است. با توجه به اهداف مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، توانمندسازی زنان نیز یکی از مسائلی است که می‌تواند در این مقوله مطرح شود. منیژه ۲۷ساله، مجرد، دانشجوی مقطع کارشناسی در عسلویه و بومی روستای کلات می‌گوید:

قبلاً خانم‌های اینجا دانشگاه نمی‌رفتند. کار اداری نمی‌کردند و سطح سوادشون پایین بود. اما حالا اغلب خانواده‌ها دخترهاشون رو می‌فرستند دانشگاه. خود عسلویه دانشگاه پیام‌نور داره که خیلی برای تحصیل خانم‌ها خوبه. این‌ها جنبه‌های مثبتشه. خشونت مردان به زنان کم شده و چیزهایی مثل کتک‌زدن و توهین‌های کلامی و این‌ها خیلی خیلی کم شده. البته خانم‌ها خیلی نسبت به قبل فهمیده‌تر شدن. ما انتظار داریم که برای اشتغال ما هم کاری مرتبط به منطقه گازی صورت بگیره.

نرگس ۴۳ساله، متأهل، دارای تحصیلات فوق‌دیپلم و شغل آرایشگری، ساکن عسلویه می‌گوید:

از لحاظ اشتغال خانم‌ها در منطقه ویژه خیلی کم کار می‌کنند. دوست ندارن برن اونجا کار کنن. شایعه براشون درست می‌کنن. البته شهرستانی‌ها می‌آین. خانم‌ها بیشتر توی بیمارستان‌ها و مدارس و خونه‌های بهداشت و این‌جا ادارات دولتی مشغول‌ان. بعضی‌ها هم مثل ما مشاغل زنانه داریم. مردهاشون به‌جز این‌جا جاهای دیگه ندارن برن جای دیگه کار کنن. ولی به‌طور کلی مردها خیلی نسبت به گذشته فرق کردن؛ مثلاً خشونت کم شده و مهربون‌تر و نرم‌تر با خانم‌ها رفتار می‌کنن.

مرضیه ۳۲ساله، متأهل، با تحصیلات کارشناسی و مربی مهدکودک ساکن نخل تقی می‌گوید:

خب باید بگم که برای خانم‌ها بعضی چیزها عوض شده و خیلی بهتر شده؛ مثلاً کتک‌خوردن کم شده، بددهنی کم شده، خانواده‌ها اجازه درس‌خوندن به دخترهاشون می‌دن، دانشگاه‌های شیراز و کرمان و این‌ها هم می‌رن دیگه. برای زنان پیش‌بینی هیچ شغلی نشده. تو کمپ که اصلاً مردها نمی‌دارن کار کنیم. بیرون هم که کاری برای خانم‌ها نیست و شرکت‌ها می‌تونن کارهایی مثل تهیه غذا و لباس کارگری و از این دست کارها رو به خانم‌های بیرون کمپ بسپارن و از مشارکت زنان به نحو مختلف بهره ببرن. مراکز فرهنگی برای خانم‌ها خیلی وجود نداره. فکر کنم این‌هایی هم که هست، دولت داده نه شرکت‌ها. با این‌همه درآمد ولی انگار خسیس‌ان. برای مهندس‌هاشون می‌سازن، ولی برای ما نه. مثلاً آب دریا رو الان آلوده کردن. چه می‌شد یه استخر سرپوشیده مخصوص خانم‌ها می‌ساختن؟ یا یه سالن ورزشی.

### مقولهٔ تغییر و توسعه

منطقهٔ ویژهٔ پارس جنوبی یکی از مناطق مهم در جهان برای مطالعهٔ تغییرات و نقش شرکت‌ها در توسعه به لحاظ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی است. شرکت‌ها با گسترش شهرنشینی و ایجاد نیازهای شهری، اثرگذاری بر جغرافیای منطقه، ایجاد مشاغل جدید و جذب نیروی کار متخصص و تحصیل کرده از یک سو و جذب کارگران مهاجر از سوی دیگر، باعث تغییر نیروی انسانی، توسعهٔ مناطق تحت پوشش خود و بین‌المللی کردن فعالیت‌هایشان شده‌اند. علاوه بر این، آمدوشدها باعث تحرک فرهنگی و ایجاد فضای تعامل جدید بین افراد بومی و مهاجران و نیز مهاجران با یکدیگر شده و از سوی دیگر، مناطق را با نیازمندی‌های جدید و مسائل پیچیده‌ای درگیر کرده است. به تعبیر یکی از مصاحبه‌شوندگان، گویی انقلاب صنعتی در منطقه ایجاد شده است. صفرها ۲۸ ساله، مجرد، با تحصیلات کارشناسی حقوق، ساکن عسلویه می‌گوید:

اینجا قبلاً روستا بود. خیلی هم قبیله‌ای و البته اغلب سنی و عرب‌زبان. اما الان منطقهٔ ویژه باعث از بین رفتن آن یک‌پارچگی شده و خیلی رو فرهنگ مردم تأثیر گذاشته. البته مهم‌ترین مسئلهٔ زنان اینجا امنیت اجتماعی و باز شدن فضا برای مشارکت بیشتر و اشتغاله. امنیت و سایر امکانات باید با توسعه بیاد، نه اینکه کم بشه و متأسفانه اینجا برعکسه.

زهره ۴۱ ساله، متأهل، با تحصیلات کارشناسی، و کارمند بهداشت ساکن روستای کلات معتقد است:

اومدن این شرکت‌ها باعث تغییر نگرش زنان شده و دید خانم‌ها باز شده و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی توی شورا و این‌جور جاها شروع کردن. اگر خانواده‌ها می‌داشتن، خود خانم‌ها از حقشون دفاع می‌کردن. هنوز خیلی از خانواده‌ها آگاهی ندارن و متعصبان. شما می‌گید که زن‌ها خودشون برای حقوق خودشون کاری کردن؟ بعضی خانواده‌ها اصلاً اجازه نمی‌دن خانم‌هاشون تنهایی بیان بیرون چه برسه پیگیری این مسائل.

لیلا ۳۲ ساله، متأهل، خانه‌دار، با تحصیلات دیپلم، و ساکن روستای کلات می‌گوید:

خب شرکت‌ها که باز شد، یه سری آبادانی اومد اینجا. جاده‌های آسفالت، فرودگاه توی منطقهٔ ویژه. مهندسان و افراد باسواد و از طبقهٔ بالا رفت و آمد کردن و رو اخلاق و رفتار مردم تأثیر گذاشتن. اما ای کاش رو فکرشون هم تأثیر می‌گذاشت و دیدشون باز می‌شد که این‌همه سال آلودگی هوا و بوی گاز تحمل کردن، چی در ازای اون گیرشون اومده و از مسئولان این سؤال رو می‌پرسیدن.

پری ۵۲ ساله، متأهل، با تحصیلات فوق دیپلم و مدیر مدرسه، ساکن روستای بیدخون می‌گوید:

اون طوری که ما می‌خواستیم عسلویه و نخل تقی پیشرفت امکانات نداشته. فقط اسم شهر بالا رفته. بدی‌هایی برای آسایش زندگی ما داره، برای خانواده‌هامون. درآمد اینجا صرف آبادانی شهرهای بزرگ مثل تهران و شیراز و اصفهان می‌شه و مردم سهمی از اون همه درآمد ندارن یا اگر هم باشه، خیلی کمه. ما یارانه نمی‌خواهیم. ما آسایش و رفاه و هوای پاک می‌خواهیم و اینکه وقتی از خونه می‌ریسم بیرون، با ترس و هراس از متلک‌گویی و حرکات زشت، که قبلاً اینجا رسم نبود و حالا پیدا شده، نباشه.

### مقوله رفاه اجتماعی

با ایجاد منطقه صنعتی به وسعت منطقه گازی پارس جنوبی و درآمدهای کلان آن انتظار تأمین و رفاه اجتماعی مردم منطقه، به‌عنوان کسانی که در همه پیامدهای ناشی از ایجاد آن درگیرند، منطقی به نظر می‌رسد. احداث مراکز تفریحی، مکان‌های فرهنگی جهت گذران اوقات فراغت خانواده‌ها، احداث مراکز بهداشتی پیشرفته و مجهز، مراکز آموزشی و مهارت‌آموزی با توجه به نیازهای جدید منطقه، بیمه‌های همگانی و مسائلی از این دست، انتظارات زنان از شرکت‌هاست. درخصوص برخی از این انتظارات، شرکت‌ها طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی موظف به اجرای آن‌اند. برخی دیگر از این موارد در زمره خدمات انسان‌دوستانه به شمار می‌رود. هجوم بی‌سابقه کارگران مجرد و بدون خانواده، باعث گرانی، کمبود مسکن، و به‌هم‌خوردن تعادل اقتصادی خانواده‌ها شده و به‌طور مستقیم بر رفاه آن‌ها تأثیر گذاشته است. هرچند جنبه مثبت آن هم ایجاد مشاغل جانبی زیاد در شهرها و مناطق است که باعث اشتغال مردان شده است، زنان فکر می‌کنند که رفاه مردم بومی، تعلقات مکانی‌شان به همراه سرگرمی‌ها، مشاغل سنتی و امنیت روانی‌شان با احداث این شرکت‌ها از میان رفته است و به‌طور مستقیم در معرض آلودگی‌های ناشی از عملکرد شرکت‌ها قرار دارند. پارک و فضای سبز که ایجاد شده اغلب به خاطر حضور کارگران ناامن است. محیط‌های فرهنگی، فرهنگ‌سرا، سینما و مکان‌های ورزشی مناسب و امن برای خانواده‌ها و زنان وجود ندارد. ضمن اینکه با وجود تحمل مصائب این شرکت‌ها و به خطر افتادن سلامت و جان خود و کودکان‌شان هیچ‌گونه مزیتی مانند بیمه و نظایر آن از سوی شرکت‌ها برای آن‌ها در نظر گرفته نشده است. آن‌ها معتقدند شرکت‌ها حقوق شهروندی آنان را رعایت نمی‌کنند و این مسائل را در حیطه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌دانند. به عقیده آنان، با توجه به درآمدهای کلان، صرف این هزینه‌ها، کمترین کاری است که در حق این مردم می‌توان انجام داد. فاطمه ۴۱ ساله، متأهل، دارای تحصیلات کارشناسی و دبیر، ساکن عسلویه می‌گوید:



کار ایجاد شده، رفاه مردم به نسبت قبل خب بیشتر شده. ولی خانم‌ها سهم زیادی از این توسعه و رفاه ندارند. مثلاً با وجود اینکه خانم‌ها به خاطر آلودگی هوا در دوران بارداری خیلی اذیت می‌شن، ولی حتی متخصص زنان و زایمان هم اینجا معدوده و خدماتشون با کیفیت نیست. الان نمی‌دونم باشه یا نه، ولی برای ما که نبود. ما می‌رفتیم شهرهای مجاور.

صفورا ۲۸ ساله، مجرد، با تحصیلات کارشناسی حقوق، ساکن عسلویه می‌گوید:

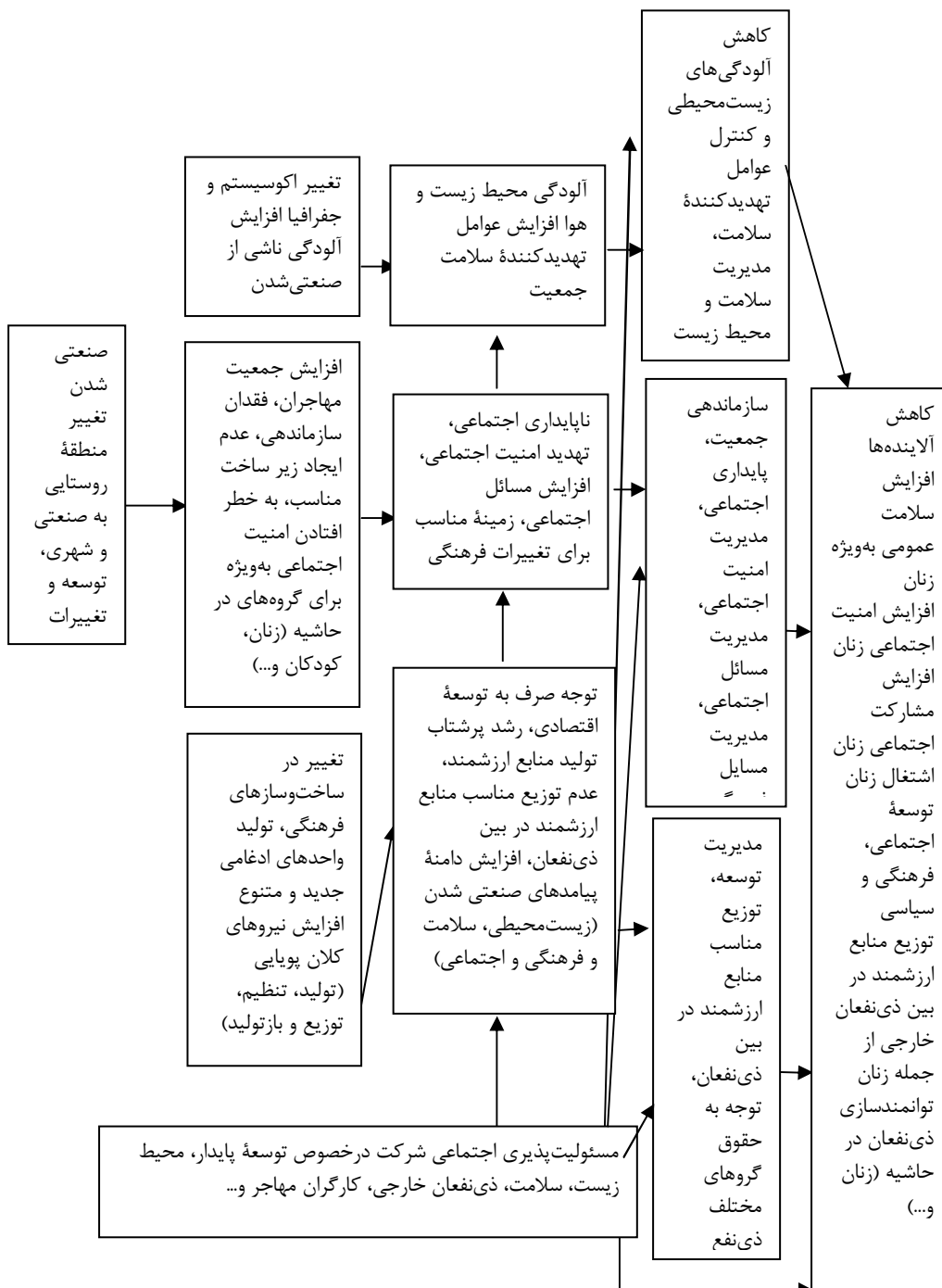
رفاه برای مردم در شهر خیلی خوب نبوده. البته نسبت به قبل خب خیلی فرق کرده، ولی باتوجه به اسم بزرگ اینجا که می‌گن پایتخت انرژی ایران، اصلاً خوب نیست. اینجا سینما و فرهنگ‌سرا یا سالن‌های ورزشی مخصوص خانم‌ها وجود نداره. البته می‌گن وظیفهٔ دولته. ولی به نظر من با این همه درآمد منطقهٔ گازی و آسیبی که به ما زده، برای شرکت‌ها گذاشتن مبلغ کمی پول روی هم و اختصاص آن به رفاه مردم کار سختی نیست و باید به رفاه ما اهمیت بدن.

لیلا ۳۲ ساله، متأهل، خانه‌دار، با تحصیلات دیپلم و ساکن روستای کلات می‌گوید:

آلودگی هوا زیاده، بوی گاز آزاردهنده‌ست و باعث آلرژی خودمون و بچه‌ها می‌شه. شرکت‌ها بعضی وقت‌ها یه کارهایی می‌کنن؛ مثل نوسازی مدرسه‌ها و این‌ها. ولی به نسبت درآمدی که دارن، واقعاً حق مردم رو نمی‌دن. مردم پارسیان، که نزدیک اینجاست، از پالایشگاه پارسیان حق آلودگی می‌گیرن. و درست هم هست.

معصومه ۵۲ ساله، متأهل، خانه‌دار، ساکن روستای بیدخون می‌گوید:

پارک‌ها و فضای سبز ایجاد شده، ولی نمی‌تونیم راحت بریم با بچه‌هامون بگردیم. هم امنیت نداره، هم آلوده‌ست. نمی‌گم وجودشون هیچ تأثیری توی زندگی ما نداشته، این بی‌انصافیه، اینجا کار هم شده، ولی البته من نمی‌دونم دولت و شهرداری کار کردن یا شرکت‌ها. ولی به نسبت ضررهایی که به سلامتی ما زدن، چیزی نبوده. لااقل کمی برای آرامش و رفاه مردم اینجا هم پول خرج کنن. البته ما مردم هم خودمون ساکت هستیم و نرفتیم چیزی از اون‌ها بخواهیم. اگر تهرانی‌ها یا شهرهای بزرگ بودن، حتماً برای حق و حقوقشون تلاش می‌کردن. ما حقیقتاً فکر می‌کردیم اینجا مثل تهران و شیراز و... بشه. ولی شما خودتون برید توی شهر یه چرخه بزیند می‌آد دستتون. چندتا پاساژ و این‌ها درست شد و فضای سبز، مثلاً عسلویه سینما نداره.



طرح‌واره نظری مستخرج از مقولات

## بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که گفته شد، مردم‌نگاری انتقادی ترکیب دانش و عمل و آگاهی و جست‌وجوگر شیوه‌های توانمندساز برای گروه‌های در حاشیه همانند زنان است که در معرض خطر بیشترین آسیب‌های ناشی از پیامدهای صنعتی‌شدن‌اند. صنعتی‌شدن یک منطقه، تأثیر همه‌جانبه‌ای بر جامعه می‌گذارد؛ تغییراتی همچون برهم‌خوردن توازن جمعیت در مقایسه با قبل در اثر مهاجرت کارگری و افزایش و تنوع جمعیت، ظهور فرهنگ‌های جدید به‌وسیلهٔ مهاجران و تأثیر بر فرهنگ بومی، ظهور سبک‌های مختلف زندگی، مانند تغییر در پوشش، خوراک، طرز صحبت‌کردن و ارتباطات اجتماعی، و... تغییر جغرافیای منطقه با احداث جاده، ساختمان‌های جدید، نصب دستگاه‌ها، آلودگی زیست‌محیطی، ورود زنان به عرصهٔ اجتماعی، تغییر نگرش مردان به جنسیت، تغییر نگرش به حقوق شهروندی، به دلیل افزایش آگاهی و ده‌ها تغییر دیگر رخ می‌دهد. این مسائل باعث به‌هم‌خوردن تعادل زندگی عادی ساکنان بومی و تغییر در سازه‌های فرهنگی و اجتماعی موجود شده و کنش‌گران تحت این فشار مجبور به پذیرش واحدهای ادغامی متمایز و جدید می‌شوند [۳۰، ص ۳۸۵]. این واحدهای ادغامی جدید نیز باعث تغییراتی در حوزه‌های مذهب، خانواده و نظم خویشاوندی، اقتصاد، سیاست و دیگر نهادها می‌شود. اگر جمعیت بومی نتواند این فشارها را تحمل کند، در نتیجه دچار گسست می‌شود. با این حال، با استفاده از حوزه‌های نهادی قدرت و سیاست، قانون سعی در افزایش توان بافت‌های اجتماعی برای تحمل این پیچیدگی‌ها کرده و این تفکیک فزاینده را هماهنگ و کنترل می‌کند. کنشگران نیز با پذیرش نهادهای ادغامی جدید، جامعه را دوباره سازمان‌دهی و نظام‌های فرهنگی تازه‌ای را تدوین می‌کنند که بتوانند خود را با آن تطبیق دهند. این نظام‌های فرهنگی و اجتماعی جدید با تقسیم کار جدید در همهٔ حوزه‌ها توزیع و اشکال جدیدی از روابط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی بازتولید می‌شود. با در نظر گرفتن چرخهٔ یادشده، کنشگران بومی در منطقهٔ عسلویه، با افزایش جمعیت ناشی از صنعتی‌شدن و توسعهٔ اقتصادی در منطقه مواجه شده‌اند. داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های زنان بومی ساکن در این منطقه نشان می‌دهد که آن‌ها در مقام کنشگران محلی درک کرده‌اند که منطقه با توسعهٔ اقتصادی ناگهانی و سیل مهاجران غیربومی، با تنوع فرهنگی و مذهبی و قومیتی مواجه شده که با سازه‌های فرهنگی و اجتماعی موجود آن‌ها همخوانی نداشته است و مردم آمادهٔ پذیرش این تغییرات ناگهانی نبوده‌اند و حتی خود مسئولان دست‌اندرکار ایجاد این پروژهٔ عظیم نیز این تغییرات ناگهانی فرهنگی و اجتماعی و ظرفیت‌های محلی برای پذیرششان را پیش‌بینی نکرده بوده‌اند. همان‌گونه که برای حفظ محیط زیست و سلامت و به حداقل رساندن آلودگی‌های محیطی نیز برنامه‌ای پیش‌بینی نشده بود. مردم بومی که در این ساختار زندگی می‌کنند، تصور می‌کنند نادیده گرفته شده‌اند و آن‌گونه که باید به آن‌ها پرداخته نشده است؛ به طوری که از یک‌سو این منابع ارزشمند در اختیار دیگران است و از سوی دیگر، سهمشان از توسعه، پیامدهای منفی صنعتی‌شدن، مانند آلودگی‌های زیست‌محیطی، منابع آلوده‌کننده و

تهدیدکننده سلامت، مشکلات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی، مانند نبود امنیت، اعتیاد جوانان و خطرات بالقوه ناشی از آن و مسائلی از این دست است. زنان این تغییرات را از جنبه‌های مختلف درک کرده‌اند. آن‌ها وجوه مثبت این منطقه را در توانمندسازی زنان نادیده نگرفته و معتقدند تغییرات ناشی از وجود این شرکت‌ها در منطقه، سبب ایجاد فرصت‌های تحصیلی، نفی خشونت، تغییر سبک زندگی و آگاهی و بازنمایی در زنان شده است و این‌ها را پیامد صنعتی شدن می‌دانند. اما در این موارد شرکت‌ها به‌طور مستقیم برای توانمندکردنشان سرمایه‌گذاری نکرده‌اند و بخشی از آن را ناشی از سرمایه‌گذاری دولت و بخش دیگر را از پیامدهای ذاتی صنعتی شدن می‌دانند. زنان از گروه‌های عمده در معرض خطر ناشی از آلودگی‌های زیست‌محیطی و سلامت و امنیت هستند؛ اما شرکت‌ها سرمایه‌گذاری بسیار اندکی برای بهبود وضعیت رفاه اجتماعی در زمینه مسائل مربوط به سلامت در ابعاد مختلف، ساخت مجتمع‌های فرهنگی و ورزشی و ایجاد امکان اشتغال در بیرون از شرکت برای زنان متخصص کرده‌اند. علاوه بر آن، زنان معتقدند که نبود کنترل و مدیریت صحیح برنامه حضور کارگران در این منطقه، باعث شده است آزادی‌های اجتماعی مورد انتظار آن‌ها محدود شود و به دلیل وضعیت خاصی که این کارگران در شهر و مناطق مجاور ایجاد کرده‌اند، موجب برانگیختن حساسیت جامعه مردسالار و ایجاد مانع برای حضور اجتماعی زنان شده است. به‌طور کلی، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به منظور کمک در انطباق مردم با وضعیت ایجاد شده و ایجاد رابطه‌ای دوسویه بین محیط بیرونی شرکت با محیط درونی شرکت و تعامل بیشتر است. آن‌ها باید درباره تأثیر نیروهای کلان پویایی (تولید، تنظیم، توزیع و بازتولید) بر جامعه آگاهی لازم را داشته باشند و در مطالعات اولیه این‌گونه پروژه‌ها نیز این وضعیت‌ها را لحاظ کنند.

نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد با توجه به نظریه ذی‌نفعان و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی حضور شرکت‌ها در مناطق صنعتی شده، می‌توان مسئولیت اجتماعی در ابعادی هنجاری ترسیم کرد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که انتظارات مردم بسیار بیشتر از آن چیزی است که انجام شده است. البته مردم، دولت و نمایندگانشان در مجلس را نیز موظف به اعمال فشار بر این شرکت‌ها جهت انجام دادن مسئولیت اجتماعی‌شان در قبال ذی‌نفعان بیرون شرکت می‌دانند و معتقدند دولت‌ها و نمایندگان در ادوار مختلف نیز بر عملکرد شرکت‌ها نظارت دقیقی انجام نداده‌اند و شرکت‌ها را در قبال تأثیرات و تبعات ناگوار فرهنگی-اجتماعی حاصل از توسعه ناموزون منطقه، مورد بازخواست قرار نداده‌اند. توجه به مسائل ذی‌نفعان اهمیت زیادی برای رسیدن به توسعه پایدار دارد. امروزه، اجرای پروژه‌های صنعتی، فقط کسب سود و سرمایه نیست. توسعه پایدار مهم‌ترین هدف ملی هر کشور بوده و کسب‌وکار پیوند میان جامعه و مردم برای داشتن جامعه سالم است. طرح‌ریزی یک مجتمع صنعتی، ابعاد گوناگونی دارد و در نظر گرفتن بعد اجتماعی در کنار ابعاد فنی بسیار مهم است. نگرانی از پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی و فرهنگی چالش فراوری جوامع است و محققان و دست‌اندرکاران می‌کوشند با اتخاذ راهکارها و

استانداردهای جدید این پیامدها را کاهش دهند. داشتن پیوست فرهنگی و اجتماعی یکی از این روش‌های سودمند است که با به‌کارگیری متخصصان علوم بین‌رشته‌ای میسر می‌شود. گسترش برنامه‌های توانمندسازی از یک‌سو و برنامه‌های پیشگیرانه و مداخله در بحران به وسیلهٔ شرکت‌ها می‌تواند این پیامدها را به حداقل رساند. شرکت‌ها می‌توانند با استفاده از پتانسیل مسئولیت اجتماعی شرکتی و با فعال کردن واحدهای مداخله در بحران متشکل از مشاوران و کارشناسان اجتماعی، مذهبی و فرهنگی، از یک سو وضعیت کارگران را بهبود بخشند و از سوی دیگر، گروه‌های اجتماعی مانند زنان را توانمند سازند و زمینهٔ اشتغال‌های کوچک، خدمات بیمه‌ای، خدمات عمومی مانند تأسیس ورزشگاه و فرهنگسراهای مخصوص بانوان، بهبود شرایط آموزشی و تجهیز مدارس و مراکز پزشکی پیشرفته را فراهم آورند. مطالعات متخصصان اجتماعی و فرهنگی در خصوص پیامدهای توسعهٔ تک‌بعدی منطقهٔ ویژهٔ پارس به‌خوبی اهمیت گنجانیدن مطالعات اجتماعی و فرهنگی و به‌طور کلی توجه به یافته‌های علوم انسانی را در پروژه‌های صنعتی نشان می‌دهد. در صورتی که توسعه به‌سمت توسعهٔ همه‌جانبه با لحاظ همهٔ جوانب اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی هدایت شود، نه تنها آسیب‌زا نخواهد بود، بلکه امکانی برای ایجاد فرصت‌های نو، به‌منظور ایجاد صورت‌بندی‌های جدید متنوع و مفید و پایدار و رشد و پیشرفت کشور خواهد بود.

## منابع

- [۱] ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- [۲] ادیب حاج‌باقری، محسن و همکاران (۱۳۸۶). *روش تحقیق کیفی*، تهران: بشری.
- [۳] صابری زفرقندی، محمدباقر؛ رحیمی موفر، آفرین؛ حاجبی، احمد، و... (۱۳۸۶). «وضعیت مصرف مواد، اعتیاد و خدمات مربوطه در کارگران منطقهٔ صنعتی عسلویه»، *مجلهٔ پژوهشی حکیم، زمستان ۱۳۸۸، دورهٔ ۱۲، ش ۴، ص ۵۸-۶۸*.
- [۴] صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۸۵). «رأی یک الگوی مفهومی برای مسائل و انحرافات اجتماعی و راه‌حل‌های کاهش آن در عسلویه»، *مجلهٔ جامعه‌شناسی ایران، دورهٔ ۷، ش ۲، تابستان ۱۳۸۵، ص ۱۱۹-۱۴۶*.
- [۵] طالبیان؛ سیدامیر؛ فاضلی، محمد؛ دغاغله، عقیل (۱۳۸۷). «تحلیل تأثیر اجتماعی توسعهٔ صنعتی در منطقهٔ عسلویه»، *نامهٔ علوم اجتماعی، ش ۳۳، بهار، ص ۷۵-۵۵*.
- [۶] غفاری، غلامرضا؛ ابراهیمی لویه، عادل (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی*، تهران: نی و لویه.
- [۷] فاستر، جرج. م (۱۳۷۸). *جوامع سنتی و تغییرات فنی*، ترجمهٔ سید مهدی ثریا، تهران: کتاب فردا.
- [۸]. فلیک، اووه (۱۳۷۸). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمهٔ هادی جلیلی، تهران: نی.
- [۹] کیوسیتو، پتر (۱۳۸۳). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمهٔ منوچهر صبوری، تهران: نی.

- [۱۰] مرتون، رابرت (۱۳۷۶). *مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه نوین تولایی، تهران: امیرکبیر.
- [۱۱]. *ویژه‌نامه مروارید پارس جنوبی در صدف خلیج فارس*، اقتصاد ایران، ۱۳۸۸.
- [12] Banerjee, Bobby Subhabrata (2008). *Social Responsibility: The Good, the Bad and the Ugly*, USA, Edward Elgar.
- [13] Boeddeling, Jann (2012). *Corporate Social Responsibility: a Perspective from Weberian Economic sociology*, Doctoral thesis, Herdecke University.
- [14] Carroll, A. B (1979). A Three-Dimensional Conceptual Model of Corporate Social Performance, *Academy of Management Review*, Vol. 4 No. 4, pp 497-505.
- [15] Castelo Branco, Manuel; Lima Rodrigues, Lúcia (2007) Positioning Stakeholder Theory within the Debate on Corporate Social Responsibility, *EJBO Electronic Journal of Business Ethics and Organization Studies*, Vol. 12, No. 1, <http://ejbo.jyu.fi/>.
- [16] European Commission (EC) (2001), *Promoting a European framework for corporate social responsibility – Green Paper*, Office for Official Publications of the European Communities, Luxemburg.
- [17] Freeman R.E., (1984) *Strategic Management: A (Synopsis of the thesis submitted for the degree of Stakeholder Approach*. Pitman: Boston.
- [18] Glaser. B. G.. & Straws. A. L. (1967). *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. New York: Aldine.
- [19] Jones, T (1995). Instrumental stakeholder theory: a synthesis of ethics and economics, *Academy of Management Review*, 20(2), pp 404-437.
- [20] Kotler, P.; Lee, N (2005). *Corporate Social Responsibility: Doing the Most Good for Your Company and Cause*. Hoboken, NJ: John Wiley & Sons.
- [21] Lantos, G. P. (2001) "The boundaries of strategic corporate social responsibility", *Journal of Consumer Marketing*, Vol. 18 No. 7, pp 595-630.
- [22] Leipziger, D. (2003). *The Corporate Responsibility Code Book*. Greenleaf Publishing.
- [23] Levitt, T. (1958) "The Dangers of Social Responsibility", *Harvard Business Review*, Vol. 33 No. 5, pp 41-50.
- [24] Madison, D.S. (2005), *Critical Ethnography: Methods, ethics, and performance*, Thousand pub.
- [25] McWilliams, A. and Siegel, D. (2001) "Corporate Social Responsibility: A Theory of the Firm Perspective", *Academy of Management Review*, Vol. 26 No. 1, pp 117-127.
- [26] Melhuus, Marit; Mitchell, Jon P; Wulff, Helena (2012) *Ethnographic Practice In The Present* London : Berghahn Books.
- [27] O'Reilly, K. (2005) *Ethnographic Methods*. London: Routledge.
- [28] Porter, M. E. and Kramer M. R. (2006). *Strategy and society: The link between competitive advantage and Corporate Social Responsibility*. *Harvard Business Review* 84(12), pp 78-92.
- [29] Thomas, J (1993) *Doing Critical Ethnography*, Newbury park, CA: sage.
- [30] Turner, Jonathan H (2010) *Theoretical Principles of Sociology*, New York: Dordrecht Heidelberg London.
- [31] UNESCO, a. (2004). *What Work in Learning Programmes for Young and Adult Women?* At available: [www.unesco.com](http://www.unesco.com).